Modern Interdisciplinary Research in Law
Vol. 6, Issue 3, Fall 2026, 54-68
jmirl.apadana.ac.ir

Apadana Institute of Higher Education

Escape of The Criminal and The Accused; Background, Legal Examples and Its Impact on The Trial Process

Abolfazl Alishahighalehjoughi*
PhD Student in Law, Lecturer at Shiraz University, Shiraz, Iran

Mahdia Maali
Bachelor of Law, Zand Institute of Higher, Shiraz, Iran

Received: 21/April/2026
Accepted: 08/June/2026
eISSN: 2783-4204
ISSN: 2783-3631

Abstract

The escape of the accused or the convicted person during the trial is one of the factors that leads to the goals of judicial justice being undermined and the desired result not being achieved. Therefore, escape is included in the category of crimes against judicial justice and is accompanied by heavy sentences such as imprisonment, flogging and fines. This phenomenon, which is committed by the accused or the criminal and, depending on the stage of the trial, can be from the prosecutor's office, court or prison, occurs under the influence of factors such as the fear of the accused and the criminal from the investigation and punishment. This crime, which is itself the source of crimes related to it, has not been ignored by the legislator and has been addressed in numerous laws including the Islamic Penal Code, the Criminal Procedure Code and special laws. However, despite its importance, no independent research has yet addressed its conceptualization, context and, most importantly, its impact on the trial process in its various forms. Therefore, the present study aims to accurately understand the concept of escape, analyze the legal consequences for the criminal, the accused, and the judicial system, and, using a descriptive-analytical method, while paying attention to its concept, context, and examples, determine the impact of escape on different stages in various types of crimes.

Keywords: escape of the accused and the criminal, hiding of the accused and the criminal, assistance in escape, factors of escape, sentence in absentia

* Corresponding Author: A.Alishahi@yu.ac.ir

فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق
دوره ۶، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۵، ۵۴-۶۸
jmirl.apadana.ac.ir

مؤسسه آموزش عالی آپادانا
غیر دولتی - غیر انتفاعی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ eISSN: 2783-4204 ISSN: 2783-3631

فرار مجرم و متهم؛ زمینه‌ها، مصادیق قانونی و تأثیر آن بر روند دادرسی

ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی* | دانشیار، گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

مهدیه معالی | دانشجوی دکترا، گروه فقه و حقوق جزا، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران

چکیده

فرار متهم یا محکوم در حین دادرسی از جمله عواملی است که منجر می‌شود اهداف عدالت قضایی ابتر بماند و به نتیجه‌ی مطلوب نرسد. بنابراین، فرار در زمره‌ی جرایم علیه عدالت قضایی قرار گرفته و با محکومیت‌های سنگینی همچون حبس، شلاق و جزای نقدی همراه است. این پدیده که توسط متهم یا مجرم صورت می‌گیرد و با توجه به مرحله‌ی دادرسی حسب مورد می‌تواند از دادسرا، دادگاه یا زندان باشد، تحت تأثیر زمینه‌هایی همچون ترس متهمین و مجرمین از رسیدگی و مجازات اتفاق می‌افتد. این جرم که خود منشأ جرایمی مرتبط با آن است از سمع و نظر قانون‌گذار مغفول نمانده و در قوانین متعددی، از جمله قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری و قوانین خاص، بدان پرداخته شده است. با این حال، علی‌رغم اهمیت آن تا کنون پژوهش مستقلی به مفهوم‌شناسی، زمینه‌ها و از همه مهم‌تر تأثیر آن بر روند دادرسی در صور مختلف آن نپرداخته است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف شناخت دقیق مفهوم فرار، تحلیل پیامدهای حقوقی برای مجرم و متهم و سیستم قضایی و با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن توجه به مفهوم، زمینه و مصادیق آن، تأثیر فرار بر مراحل مختلف در انواع جرایم را تعیین تکلیف نموده است.

کلیدواژه‌ها: فرار متهم و مجرم، اختفای متهم و مجرم، مساعدت در فرار، عوامل فرار، حکم غیابی

* نویسندهٔ مسئول: A.Alishahi@yu.ac.ir

مقدمه

موضوع فرار مجرم و متهم که یک موضوع مهم در حوزه‌ی روند دادرسی است، از حیث تأثیر آن بر اجرای عدالت، بسیار حائز اهمیت است به‌طوری‌که می‌تواند با کاهش قدرت و اعتبار سیستم قضایی، افزایش هزینه‌های دادرسی، طولانی شدن رسیدگی به پرونده‌ها و تحقیقات و افزایش خطرات امنیتی، به جامعه آسیب برساند. همچنین فرار مجرمان و متهمان می‌تواند باعث کاهش اعتماد عمومی به نظام قضایی و حکومت و در نتیجه، شکست هیمنه قوانین و نظام حقوقی شود. مجموعه‌ی این امور بررسی عوامل بروز فرار، مصادیق قانونی و نقش آن در روند دادرسی را ضروری می‌نماید.

با توجه به مباحث فوق، ضرورت تحقیق در زمینه فرار مجرمان و متهمان از منظر حقوقی اساساً به تفسیر و تبیین این پدیده و تأثیر آن بر روند دادرسی مرتبط است. بدین‌سان چنین پژوهشی اهمیت ویژه‌ای در افزایش دقت و عدالت در دادرسی دارد؛ زیرا می‌تواند به ارائه‌ی راهکارهای قانونی برای پیشگیری از فرار و همچنین افزایش کارایی و عدالت در نظام قضایی بینجامد. این تحقیق نه‌تنها به دانش حقوقی افراد می‌افزاید، بلکه به بهبود فرایند دادرسی و اجتناب از فرارهای آتی نیز کمک می‌کند.

نگارندگان در پژوهش پیش‌رو در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستند که ماهیت فرار چیست؟ مهم‌ترین زمینه‌های بروز این پدیده چه مواردی هستند؟ فرار، مخفی شدن و کمک به این اعمال به مثابه‌ی یک جرم چگونه در مهم‌ترین قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران جای گرفته‌اند و چه احکامی بر آن‌ها بار می‌شود؟ بر این اساس با روش توصیفی-تحلیلی، پس از تعریف فرار زمینه‌های بروز آن را دنبال کرده و سپس با احصاء مصادیق مختلف این پدیده، حکم هر صورت مشخص می‌شود. در پایان نیز آثار فرار متهم یا مجرم بر ادامه‌ی روند قضایی ذیل عناوین جرایم تعزیری، جرایم مستوجب حد، قصاص و دیه پیگیری خواهد شد.

۱- پیشینه بحث

هرچند اهمیت موضوع یاد شده از سوی پژوهشگران مغفول نمانده و در خلال برخی از موضوعات بدان اشاره شده است؛ همچون بررسی حقوق متهم در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری، بازداشت موقت در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری، قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی در قانون آئین دادرسی کیفری، مطالعه‌ی تطبیقی جرم فرار و پناه دادن زندانیان و بازداشت‌شدگان در نظام کیفری ایران و عراق، تکالیف و اختیارات ضابطین دادگستری در جرایم مشهود در پرتو نظام دادرسی کیفری ایران، بررسی فقهی تأثیر فوت و فرار قاتل بر حق اولیای دم و تطبیق آن با قانون مجازات جدید در ایران و .... با این‌حال، تاکنون پژوهش مستقلی در این خصوص انجام نگرفته و ابعاد مسئله به‌طور دقیق بررسی نشده است.

پژوهش حاضر ضمن توجه به مفهوم، زمینه و مصادیق آن، تأثیر فرار بر مراحل مختلف در انواع جرایم را تعیین تکلیف نموده است. علاوه بر آن می‌توان توجه همه‌جانبه و علت شناسانه به مسئله را از ویژگی‌های مثبت این اثر دانست. در ادامه نیز مصداق‌یابی در قوانین ایران و بررسی آثار فرار بر ادامه‌ی روند دادرسی به‌صورت تفکیکی در جرایم تعزیری، جرایم مستوجب حد، قصاص و دیات را می‌توان از نوآوری‌های این پژوهش دانست.

۲- تعریف فرار

برای بررسی مفهوم فرار و آثار آن در فرایند رسیدگی، ابتدا باید به تعریف این پدیده پرداخت. جرم فرار زندانیان و محبوسین را این‌گونه می‌توان تعریف نمود: «گریز عمدی و غیرقانونی از محاکمه یا مجازات؛ شخصاً یا با همکاری

افراد دیگر.» در این تعریف، رکن مادی جرم عبارت است از فرار؛ لذا برای تحقق این جرم باید فراری صورت بگیرد. این فرار می‌تواند از محاکمه یا مجازات باشد که در صورت اول نام فرارکننده متهم و در صورت دوم نام وی مجرم خواهد بود. هرچند خود این فرار، جرم جداگانه‌ای است که می‌تواند پس از اثبات متهم را نیز به مجرم بدل کند. همچنین باید توجه داشت تحقق این جرم برای فرد به‌طور موسع از زمان شروع تعقیب تا زمان اجرای قطعی مجازات امکان دارد. به‌عنوان مثال، ممکن است شخصی از زندان یا بازداشتگاه فرار کرده یا به مرخصی برود و برنگردد یا اینکه شخصی که برای ادامه‌ی محاکمات در مسیر دادگاه است، شخصاً یا با کمک دیگری فرار نماید. در کنار رکن مادی، عمدی بودن فرار نیز به رکن روانی آن اشاره دارد. بنابراین چنانچه فرد طی مسیر دادگاه توسط افراد دیگری ربوده شود، نمی‌توان وی را به اتهام این جرم محکوم نمود (جباری نسب، ۱۳۹۲، ص ۱۴).

باید پذیرفت ذات آزادی‌خواه انسان اقتضای این را دارد که مجرمین تمام تلاش خود را به کار بندند تا مجازات نشوند و یا اینکه در مجازات آن‌ها تخفیف داده شود. این امر تا آن‌جا ادامه می‌یابد که در برخی از موارد برای رهایی از بند محاکمه و مجازات، منجر به فرار یا مخفی شدن متهم یا مجرم می‌گردد. علاوه بر آن، مخفی کردن یا کمک به فرار مجرم و متهم نیز جرمی مجزاست که توسط دیگر افراد ارتکاب یافته و به‌عنوان جرمی تعریف شده در قانون، بدین معناست که فرد به مجرمی که حکم محکومیت او صادر شده و دستگیر شده و یا اینکه فرار نموده کمک کند تا مخفی شود یا موجب فرار او شود و یا اینکه به مخفی شدن یا فرار فردی که متهم به ارتکاب جرم است کمک کند. همچنین تهیه کردن وسایل فرار مجرم و متهم نیز جرم جداگانه‌ای است که به موجب قانون مجازات مرتکب آن مجازات می‌گردد.

کمک به متهم می‌تواند تحت شرایط متفاوت، از طرق مختلفی صورت پذیرد. به‌عنوان مثال، استفاده از ماشین برای فراری دادن یا مخفی نمودن متهم، سرگرم کردن مأمورین یا نقش بازی کردن برای استفاده از موقعیت فرار، مخفی نمودن متهم در خانه یا محل کار و ایجاد صحنه‌سازی در حین انتقال متهم برخی از این طرق است. هر یک از این اقدامات غیرقانونی و مساعدت در فرار متهم، روند رسیدگی به جرم و تعیین تکلیف قضایی او و پرونده را با اشکال جدی مواجه می‌کند. چنانکه گفته شد، ممکن است متهم تحت تعقیب، شخصاً برای فرار و رهایی از دستگیری تلاش کند یا شخص دیگری که متهم یا غیرمتهم است و یا مأموران مراقب یا هر مأمور ملازم دیگر این عمل را انجام دهد. قانون‌گذار برای پیشگیری از رخ دادن چنین امری، برای مرتکبان آن مجازات قابل توجهی در نظر گرفته است.

۳- مهم‌ترین زمینه‌های بروز فرار

پدیده‌ی فرار متهمین ضمن مختل نمودن امنیت و آسایش عمومی، موجب تجری مجرمان نیز می‌گردد. آمارها نشان می‌دهند که برخی از متهمان با جرایم سنگین و محکومیت‌های شدید همچون اعدام و ... به هنگام بازداشت و بدرقه اقدام به فرار از دست مأمورین می‌کنند. بدین جهت است که نوع عملکرد مأمورین می‌تواند تأثیرات مثبت و حائز اهمیتی بر کارایی و اقتدار نیروی انتظامی در سطح جامعه داشته باشد. از سوی دیگر نیز چنانچه مأمورین به نوعی در ایفای مأموریت خود قصور و سهل‌انگاری نمایند، نتایج بسیار مخربی برای سازمان به‌دنبال خواهد داشت که کمترین آن کاهش اعتماد عمومی نسبت به سیستم پلیس، فراهم نمودن فرصتی دوباره برای ارتکاب جرم، تشدید ناامنی، تضییع حقوق آسیب‌دیدگان، سنگین‌تر شدن کار نیروی انتظامی و از همه مهم‌تر مجازات قانونی مأمور بدرقه و مشکلات بعدی برای خانواده آنان به‌دنبال خواهد داشت.

به نظر می‌رسد برای بررسی دقیق این پدیده، ابتدا باید دانست پدیده‌ی فرار تحت تأثیر چه زمینه‌هایی صورت گرفته و افزایش می‌یابد؟ همان‌طور که می‌دانیم، ضعف یا فقدان هر یک از منابع سازمانی شامل نیروی انسانی و تجهیزات، می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر فرار متهم داشته باشد.

از میان صورت‌های مختلف فرار، فرار متهم در حین بدرقه، شایع‌ترین نوع آن بوده که بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است. به طوری‌که یافته‌ها نشان می‌دهند که تعداد فراریان در حین بدرقه ۵ برابر بیشتر از فراریان از بازداشتگاه است. در این خصوص از جمله زمینه‌های فرار، مسیر بدرقه‌ی متهمین است که فرصت‌های بسیار مناسبی را برای اطرافیان و هم‌فکران متهم فراهم می‌کند تا بتوانند در صورت آگاهی از مسیر حرکت، برنامه و نقشه‌ی آزادسازی متهم از دست مأمورین را پیاده نمایند. در این راستا، مواردی مانند تصادفات ساختگی، مشاجرات لفظی، درگیری‌های ساختگی و ... از حربه‌هایی است که در مسیر بدرقه‌ی متهم، مورد استفاده‌ی متهمین و هم‌فکران آنان قرار می‌گیرد.

علاوه بر موارد فوق، تبانی با متهم نیز یکی دیگر از جرایم شناخته شده‌ی مأمورین بدرقه و نگهداری است که مطابق آن، در بسیاری از موارد متهمین با شناخت نقاط ضعف مأمورین مربوطه، ضمن تطمیع و اغفال آنان در مقابل مسائل مورد علاقه‌شان، مانند مادیات و مسائل سوءاخلاقی و یا حتی از طریق تهدید، زمینه‌های تبانی را ایجاد و خواسته‌های غیرقانونی خود را به دست آنان تأمین می‌نمایند که منجر به فراهم‌سازی زمینه‌های فرار توسط آنان می‌گردد.

از دیگر جرایم شناخته شده‌ی مأمورین، سهل‌انگاری و بی‌دقتی است که بسیاری از فرارهای متهمین از همین ناحیه‌ی خلأ صورت می‌پذیرد. این امر به اشکال مختلفی از جمله عدم رعایت ملاحظات حفاظتی به هنگام بازجویی و تحقیق از متهمین، عدم بازرسی دقیق بدنی متهمین، قبول خوراکی توسط مأمور از دیگران در زمان بدرقه، عدم استفاده مناسب از دستبند، پابند، سلاح و باتوم به هنگام نگهداری و بدرقه‌ی متهم، تن دادن مأمورین به خواهش‌های متهمین مبنی بر ملاقات با بستگان در منزل هنگام بدرقه و بسیاری از مواردی از این دست به وقوع می‌پیوندد. علاوه بر این موارد، برخی از مأمورین که ارتباط کاری در خصوص نگهداری و بدرقه متهمین دارند، در پشت پرده با انجام اقداماتی همچون راهنمایی متهمین در خصوص ضعف‌ها و کاستی‌ها، زمینه‌ی فرار را برای متهم فراهم می‌سازند.

در میان صور مختلف فرار، پدیده‌ی فرار از زندان آمار بسیاری پایین‌تری را به خود اختصاص داده است؛ چراکه اتهامات وارده بر افراد زندانی ثابت شده و لذا تحت حفاظت شدیدتری هستند. البته، مواقعی که زندانیان به‌طور دسته‌جمعی دست به شورش زده و زمینه را برای فرار معدودی از افراد فراهم می‌آورند را باید از این مقوله استثنا نمود.

بررسی شگردهای مورد استفاده متهمین و مجرمین در هنگام فرار، مواردی چون ایجاد مشاجره و درگیری ساختگی، تمارض، تبانی مأمورین نگهداری و بدرقه با متهمین را نشان می‌دهد که برای پیشگیری از امر فرار باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای معطوف داشت.

۴- مصادیق جرم فرار و مخفی شدن متهم و مجرم و کمک به آن در آیینه قوانین

قانون‌گذار ایران همچون سایر کشورها در قوانین مختلفی همچون قانون مجازات اسلامی و تعزیرات بازدارنده، قانون آیین دادرسی کیفری و برخی از قوانین خاص، توجه خاصی را نسبت به امر فرار متهم یا محکوم در مراحل مختلف قبل از دادرسی، حین دادرسی و پس از آن ابراز داشته است. این امر در قالب‌های متعددی تجلی یافته و در برخی از موارد منجر به جرم‌انگاری گردیده است. پیش از جرم‌انگاری نیز به ضابطین قضایی هشدار داده است تا با انجام درست وظایف خود، از پدیده‌ی فرار پیشگیری نمایند. به‌عنوان مثال، مطابق ماده‌ی ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطین دادگستری در خصوص جرایم مشهود باید تمامی اقدامات لازم را به‌منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و

دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول داشته و تحقیقات مقدماتی را انجام دهند و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی برسانند (آشوری، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷).

اگر ضابطین دادگستری اقداماتی خلاف مقررات یاد شده انجام دهند که منجر به خسارت به شخص یا اشخاصی گردد، می‌بایست درصدد جبران آن برایند. به‌عنوان مثال، چنانچه پلیس در جرمی که از مصادیق جرایم مشهود نیست، بدون دستور مقام قضایی اقدام به دستگیری شخصی نموده و در حین دستگیری به علت فرار یا بعد از دستگیری به هر دلیل به او صدمه‌ای وارد شود، ضامن جبران خسارت وارده به متهم است (عباسلو، ۱۳۸۹، ص ۹۲). البته، باید بدین نکته توجه داشت که برخی از حقوق‌دانان به پیروی از حقوق آلمان بین حالت فرار یا پنهان شدن متهم از یک‌سو و بیم فرار یا پنهان شدن او از سوی دیگر قائل به تفکیک شده و بیان می‌دارند که حالت اول در صورتی است که متهم هم‌زمان با ارتکاب جرم یا پس از آن، اقامتگاه خود را تغییر داده و یا اقامتگاه جدید خود را به مقامات قضایی اطلاع ندهد. ولی بیم فرار یا پنهان شدن، آن‌گاه مطرح می‌شود که متهم هنوز هیچ اقدامی برای جلوگیری از اینکه دعوای کیفری مسیر عادی خود را طی کند، معمول نداشته است و در نهایت، نتیجه‌گیری می‌کنند که اوضاع و احوال موجود در پرونده باید به گونه‌ای باشد که «نوعاً» خطر فرار یا پنهان شدن متهم را در بر داشته باشد (آشوری، ۱۳۸۸، صص ۲۱۵-۲۱۶).

بعد از توجه به جنبه‌ی پیشگیرانه‌ی فرار، قانون‌گذار در مواد متعددی از قوانین پیش‌گفته، به جرم‌انگاری پدیده‌ی فرار، کمک به آن، اهمال مأموران در حفظ و نگهداری از متهم و زندانی و سایر موارد این چنینی پرداخته که در ذیل همراه با ذکر مواد به آن‌ها اشاره شده است.

۴-۱- فرار زندانی از زندان یا بازداشتگاه

ماده‌ی ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی ابراز می‌دارد: «هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا (۷۴) ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» مقصود از عبارتِ «به هر دو مجازات محکوم خواهد شد» این است که هر دو مجازات مذکور در همین ماده شلاق و حبس است نه مجازات این ماده و تخریب (گلدوزیان، ۱۳۹۴، ص ۴۹۹).

همچنین در تبصره‌ی این ماده آمده است: «زندانیانی که مطابق آئین‌نامه زندان‌ها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی ننمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم می‌گردند.»

۴-۲- اهمال مأمور دولت در حفظ، ملازمت یا مراقبت فرد متهم یا زندانی

در ماده‌ی ۵۴۸ قانون مجازات آمده است: «هرگاه مأموری که موظف به حفظ یا ملازمت یا مراقبت متهم یا فرد زندانی بوده در انجام وظیفه مسامحه و اهمالی نماید که منجر به فرار وی شود به شش ماه تا سه سال حبس و یا جزای نقدی از ۵۰۰۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد.» توجه در این ماده نشان‌گر این مطلب است که برای تحقق جرم مذکور، باید میان تقصیر مأمور و فرار زندانی رابطه‌ی علیت برقرار باشد. علاوه بر آن، مسامحه و اهمال می‌بایست منجر به فرار شود و این نشان از مقید بودن جرم موضوع ماده دارد.

همچنین در ماده‌ی ۱ قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری آمده است: «مأمورین مسلح موضوع این قانون که به‌منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم و یا در مقام ضابط قوه‌ی قضائیه به تفتیش، تحقیق و کشف جرایم و اجرای احکام قضایی و یا سایر مأموریت‌های محوله، مجاز به

حمل و به‌کارگیری سلاح می‌باشند، موظفند به هنگام به‌کارگیری سلاح در موارد ضروری کلیه‌ی ضوابط و مقررات این قانون را رعایت نمایند. تبصره - مأمورین مسلح وزارت اطلاعات در اجرای وظایف محوله قانونی، در مورد به‌کارگیری سلاح مشمول این قانون می‌باشند.»

علاوه بر آن، ماده‌ی ۳ همین قانون نیز اظهار می‌دارد: «مأمورین انتظامی در موارد زیر حق به‌کارگیری سلاح را دارند: ... بند ۵- در موردی که شخص بازداشت‌شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نماید، از اقدامات دیگر برای دستگیری و یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد.» تجویز استفاده از سلاح در مواد فوق به‌منظور جلوگیری از فرار متهمین، نشان‌گر اهمیت این موضوع در نزد قانون‌گذار است.

۴-۳- فراری دادن مرتکب جنایت عمدی توسط فرد عادی

در ماده‌ی ۴۳۴ قانون مجازات چنین ذکر است: «هرگاه کسی فردی را که مرتکب جنایت عمدی شده است فراری دهد، به تحویل وی الزام می‌شود. اگر در موارد قتل و جنایت بر عضو که منجر به قطع یا نقص عضو یا از بین رفتن یکی از منافع آن شده است، بازداشت فراری‌دهنده مؤثر در حضور مرتکب یا الزام فراری‌دهنده به احضار مرتکب باشد، دادگاه باید با درخواست صاحب حق قصاص تا زمان دستگیری مرتکب، فراری‌دهنده را بازداشت کند. اگر مرتکب پیش از دستگیری بمیرد یا دستگیری وی متعذر شود یا صاحب حق قصاص رضایت دهد، فراری‌دهنده آزاد می‌شود و صاحب حق قصاص در همه‌ی موارد قصاص نفس و عضو، می‌تواند در صورت فوت مرتکب یا تعذر دستگیری او، دیه را از اموال وی یا فراری‌دهنده بگیرد. فراری‌دهنده می‌تواند پس از پرداخت دیه برای دریافت آن به مرتکب رجوع کند.»

باید دقت نمود که ماده‌ی فوق نشان می‌دهد به کار رفتن عبارت «فراری دهد» نشان از لزوم مباشرت فراری‌دهنده در این کار داشته و لذا صرف ارائه‌ی طریق، تسهیل و راهنمایی، مساعدت و به عبارت دیگر، معاونت در فرار شخص محکوم مشمول این ماده، کفایت نمی‌کند (رفعتی، ۱۳۹۴، ص ۳).

۴-۴- مساعدت، تسهیل و تبانی مأمور حفظ و مراقبت برای فرار زندانی یا فرد توقیف‌شده

ماده‌ی ۵۴۹ قانون مجازات می‌گوید: «هر کس که مأمور حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف‌شده‌ای باشد و مساعدت در فرار نماید یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار وی تبانی و مواضعه نماید به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

الف- اگر توقیف‌شده متهم به جرمی‌باشد که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است و یا زندانی به یکی از این مجازات‌ها محکوم شده باشد، به سه تا ده سال حبس و اگر محکومیت محکوم‌علیه حبس از ده سال به بالا باشد و یا توقیف‌شده متهم به جرمی‌باشد که مجازات آن حبس از ده سال به بالاست، به یک تا پنج سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا اتهام توقیف‌شده غیر از موارد فوق‌الذکر باشد، به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ب- اگر زندانی محکوم به قصاص یا توقیف‌شده متهم به قتل مستوجب قصاص باشد، عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند و چنانچه متهم غیاباً محاکمه و برائت حاصل کند و یا قتل شبه عمد یا خطئی تشخیص داده شود، عامل فرار به مجازات تعیین‌شده در ذیل بند (الف) محکوم خواهد شد و اگر فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود، چنانچه محکوم به قصاص باشد فراری‌دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.

ج- اگر متهم یا محکومی که فرار کرده محکوم به امر مالی یا دیه باشد، عامل فرار علاوه بر مجازات تعیین‌شده در ذیل بند الف ضامن پرداخت دیه‌و مال محکوم به نیز خواهد بود.»

با توجه به صور ماده‌ی فوق، بند ب این ماده راجع به «مباشرت یا معاونت» در فراری دادن شخص محکوم یا متهم به «قتل» مستوجب قصاص مأموران حفظ و مراقبت یا ملازمت می‌باشد. مساعدت در فرار و تسهیل آن، از جمله صور معاونت در جرم موضوع مواد ۱۲۶[1] و ۱۲۷[2] قانون مجازات اسلامی است که در صورت خاص جرم‌انگاری شده و معاونت به‌عنوان جرم مستقل است. مساعدت مذکور در این ماده به صورت فعل و ترک فعل قابل تحقق است.

در ماده‌ی ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی چنین ذکر شده است: «اگر عامل فرار از مأمورین مذکور در ماده‌ی ۵۴۹ نباشد و عامداً موجبات فرار اشخاصی که قانوناً زندانی یا دستگیر شده‌اند را فراهم آورد، به طریق ذیل مجازات خواهد شد:

الف- چنانچه زندانی محکوم به اعدام یا حبس دائم یا رجم یا صلب بوده است، مجازات او یک تا سه سال حبس و اگر زندانی متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است، مجازات از شش ماه تا دو سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا مجازات قانونی توقیف‌شده غیر از موارد فوق‌الذکر باشد، مجازات او سه ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

ب- اگر زندانی محکوم به قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند. چنانچه فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود، فراری-دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.»

این ماده راجع به مباشرت یا معاونت در فراری دادن شخص محکوم به قصاص اعم از نفس یا مادون نفس از سوی کسانی غیر از مأموران ملازم، محافظ یا مراقب زندانی می‌باشد که ممکن است از مأمورین دولتی یا اشخاص عادی باشد و عمد مرتکبین، شرط تحقق جرم موضوع این ماده می‌باشد و اهمال و تسامح منجر به فرار آنان جرم نیست؛ زیرا این قبیل افراد وظیفه و تکلیفی در حفظ و نگهداری زندانی ندارند (رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۲۳).

---

۱. ماده ۱۲۶- اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف- هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیفتر محکوم می‌شود.

۲. ماده ۱۲۷- در صورتی که در شرع، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه

ب- در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش

ت- در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایینتر از مجازات جرم ارتکابی

تبصره ۱- در مورد بند(ت) این ماده مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتکابی است مگر در مورد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است.

تبصره ۲- در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند(ت) این ماده اعمال می‌شود.

۴-۵- اهمال و مسامحه مأمورین در دستگیری متهم به عمد یا غیر عمد

در ماده‌ی ۵۵۰ قانون مجازات آمده است: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که طبق قانون مأمور دستگیری کسی بوده و در اجرای وظیفه‌ی دستگیری مسامحه و اهمال کرده باشد، به پرداخت ۴۰۰۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مسامحه و اهمال به قصد مساعدت بوده که منجر به فرار وی شده باشد، علاوه بر مجازات مذکور به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود.»

جرم مشارٌالیه در صدر ماده یعنی تسامح و اهمال مأمور از جمله جرایم مطلق بوده و لذا چه فرار صورت گرفته باشد یا خیر، صرف اهمال برای تحقق جرم کافی است. در نقطه‌ی مقابل نیز جرم قسمت دوم ماده قرار دارد که با توجه به قید مذکور، جزو جرایم مقید بوده و لازم است که فرار صورت گرفته باشد.

۴-۶- دادن اسلحه به زندانی یا شخص توقیف‌شده جهت مساعدت در فرار

در ماده‌ی ۵۵۲ قانون مجازات چنین ذکر شده است: «هر کس به شخص زندانی یا توقیف‌شده برای مساعدت به فرار اسلحه بدهد، به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.» مطابق جرم فوق‌الذکر که جرمی مطلق است، صرف دادن اسلحه برای فرار، خواه متهم موفق به فرار بشود یا نشود و خواه فراری از اسلحه استفاده بکند یا نکند، جرم خواهد بود. البته، شرط است که اسلحه قبل از فرار و به‌منظور فرار و نه بعد از آن داده شود. همچنین ارتکاب این جرم از سوی هرکس، اعم از مأموران حفظ و ملازمت و یا غیر مأموران دولت و اشخاص عادی، ممکن است.

۴-۷- مخفی کردن یا فراری دادن فرد متهم یا محکوم

ماده‌ی ۵۵۳ قانون مجازات می‌گوید: «هر کس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد: چنانچه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام یا رجم یا صلب یا قصاص نفس و اطراف و یا قطع ید بوده مجازات مخفی‌کننده یا کمک‌کننده‌ی او در فرار حبس از یک تا سه سال است و اگر محکوم به حبس دائم یا متهم به جرمی بود که مجازات آن اعدام یا صلب است محکوم به شش ماه تا دو سال حبس خواهد شد و در سایر حالات مجازات مرتکب یک ماه تا یک سال حبس خواهد بود. تبصره- در صورتی که احراز شود فرد فراری‌دهنده و مخفی‌کننده یقین به بی‌گناهی فرد متهم یا زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد.»

ماده‌ی فوق به تعریف سه جرم پرداخته است که عبارتند از: مخفی نمودن متهم یا محکوم فراری، مخفی نمودن فرد تحت تعقیب فراری، فراهم نمودن وسایل فرار متهم یا محکوم یا شخص تحت پیگرد فراری. عبارت مطلق «هر کس» در صدر ماده، شامل مأمور و غیر مأمور شده و هرگاه یکی از مأمورین مذکور در مواد ۵۴۹ یا ۵۵۰ باشد و علاوه بر مساعدت در فرار یا کوتاهی در دستگیری، به مخفی کردن متهم یا محکوم مبادرت ورزد، مورد از مصادیق تعدد مادی و مشمول ماده‌ی ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی خواهد بود. تبصره‌ی این ماده نیز با بیان یک عذر معاف‌کننده از مجازات، اظهار می‌دارد که اگر دو امر یقین داشتن مرتکب به بی‌گناهی متهم و دیگری اثبات بی‌گناهی متهم در دادگاه ثابت شود، مرتکب از مجازات معاف خواهد شد.

همچنین ماده‌ی ۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر بیان می‌دارد: «اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود: ... بند ۷- فراری دادن یا پناه دادن متهمین، محکومین مواد مخدر یا «روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروییِ» که تحت تعقیب‌اند و یا دستگیر شده‌اند.» بنابراین، مطابق این ماده نیز فراری دادن یا پناه دادن متهمان و محکومان ذکر شده جرم بوده و مرتکب در این جرم خصوصیت ندارد.

در ماده‌ی ۲۱ همین قانون نیز آمده است: «هر کس متهم موضوع این قانون را که تحت تعقیب یا در حین دستگیری است، عالماً و عامداً پناه یا فرار دهد و یا در پناه دادن یا فرار دادن او همکاری کند در هر مورد، به یک‌پنجم تا یک‌دوم مجازات جرمی که متهم به آن را فرار یا پناه داده است، محکوم می‌شود. در مورد حبس ابد و اعدام مرتکب به ترتیب به چهار تا ده سال حبس و ده تا پانزده سال حبس و از سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود. تبصره ۱- مجازات اقربای درجه یک متهم در هر حال بیش از یک‌دهم مجازات متهم اصلی نخواهد بود. تبصره ۲- در صورتی که مرتکب از مأموران انتظامی و یا مأموران زندان و یا از مأموران قضایی باشد، علاوه بر مجازات مذکور، از خدمات دولتی نیز منفصل می‌شود.»

۴-۸- اقدام به ایجاد ادله جعلی و اختفای متهم یا ادله به جهت خلاصی و تبرئه متهم

در ماده‌ی ۵۵۴ قانون مجازات آمده است: «هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله‌ی جرم را مخفی نماید و یا برای تبرئه‌ی مجرم ادله‌ی جعلی ابراز کند، حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد. تبصره_ در موارد مذکور در ماده‌ی ۵۵۳ و این ماده در صورتی که مرتکب از اقارب درجه‌ی اول متهم باشد، مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین‌شده بیشتر نخواهد بود.»

اطلاق لفظ مجرم در ماده‌ی فوق نشان‌گر آن است که این ماده علاوه بر مباشر، بر شرکا و معاونین جرم نیز دلالت دارد.

۵- آثار فرار متهم یا مجرم بر ادامه روند قضایی

از نکات گفته شده چنین بر می‌آید که هنگام فرار متهم و یا مجرم، بسته به قطعی شدن یا نشدن محکومیت وی، فرایند قضایی از جمله دادرسی و یا مجازات با اخلال مواجه خواهد شد. بدین جهت، باید دانست که پدیده‌ی فرار چگونه بر این روند تأثیرگذار است؟ برای بررسی این موضوع بهتر آن است که ابتدا جرایم اتهامی یا ارتکابی را به جرایم تعزیری، مستوجب حد، قصاص و دیه دسته‌بندی نمود.

۵-۱- جرایم تعزیری

قانون‌گذار ایران هنگام تدوین قوانین اجرایی نیز همچون قوانین ماهوی ضمن توجه به فرار متهم یا محکوم، همواره به‌دنبال اندیشیدن تدابیری است تا از وقوع این امر پیشگیری کند. به‌عنوان مثال، در مواد ۴۴[۱]، ۴۵[۲]، ۹۰[۳]، ۱۸۰[۴]، ۲۱۷[۵] و ۲۳۸[۶] قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضمن اشاره به موضوع فرار، آن را به‌عنوان عاملی مهم در

---

۱. ماده ۴۴- ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری درباره‌ی جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به‌منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله‌ی وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.

۲. ماده ۴۵- جرم در موارد زیر مشهود است:

... ت - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

تبصره ۱- چنانچه جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون به‌صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.

۳. ماده ۹۰- تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله‌ی وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.

۴. ماده ۱۸۰- در موارد زیر بازپرس می‌تواند بدون آن که ابتدا احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر کند:

... پ - در مورد جرائم تعزیری درجه پنج و بالاتر در صورتی که از اوضاع و احوال و قرائن موجود، بیم تبانی یا فرار یا مخفی شدن متهم برود.

۵. ماده ۲۱۷- به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

الف- التزام به حضور با قول شرف،

ب- التزام به حضور با تعیین وجه التزام،

پ- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف،

ت- التزام به عدم خروج از حوزه‌ی قضایی با تعیین وجه التزام،

ث- التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام،

ج - التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط،

چ- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات،

ح- اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله،

خ- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول،

د- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی.

تبصره۱- در صورت امتناع متهم از پذیرش قرار تامین مندرج در بند (الف)، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر و در صورت امتناع از پذیرش قرارهای مندرج در بندهای (ب)، (پ)، (ت) و (ث) قرار کفالت صادر می‌شود.

تبصره۲- در مورد بندهای (پ) و (ت)، خروج از حوزه‌ی قضایی با اجازه قاضی ممکن است.

تبصره۳- در جرائم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضائی تضمین حقوق بزه دیده به طریق دیگر امکان پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.

۶. ماده ۲۳۸- صدور قرار بازداشت موقت در موارد مذکور در ماده قبل، منوط به وجود یکی از شرایط زیر است:

الف- آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از ادای شهادت امتناع کنند.

ب- بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.

پ- آزاد بودن متهم مخل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

تصمیم‌گیری‌های قضایی در نظر گرفته و مطابق آن به تعریف مفاهیمی مثل تحقیقات مقدماتی و جرایم مشهود می‌پردازد. همچنین به‌منظور پیشگیری از فرار، به بازپرس مجوز می‌دهد تا در صورت وجود شرایطی که یکی از آن‌ها بیم فرار است، با صدور دستور جلب بدون احضاریه، صدور قرار تأمین مناسب و صدور قرار بازداشت موقت، از این مسئله جلوگیری نماید.

با این حال، نقطه‌ی ابهام در خصوص فرار آن است که در صورت فرار متهم یا محکوم، چه اتفاقی برای روند دادرسی می‌افتد؟ آیا دادرسی متوقف می‌شود یا بدون حضور متهم یا محکوم ادامه می‌یابد؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید میان مراحل دادرسی قبل از صدور حکم و بعد از آن تفاوت قائل شد. اگر حکم از سوی دادگاه صادر شده و مجازات مشخص باشد و متهم در دسترس نباشد، چنانچه حکم محکومیت در مواردی مثل رد مال، مصادره اموال یا جزای نقدی، جنبه‌ی مالی داشته باشد و به اموال محکوم‌علیه نیز دسترسی وجود داشته باشد، حکم از محل اموال شناسایی‌شده اجرا و حسب مورد به زیان‌دیده از جرم یا صندوق دولت پرداخت می‌شود. اما، در خصوص محکومیت‌های جسمانی، مانند شلاق و حبس، اعمال مجازات منوط به دسترسی به محکوم‌علیه است و طبیعتاً تا زمانی- که محکوم دستگیر نشده باشد، امکان اجرا وجود ندارد. البته، اگر برای فردی حکم محکومیت صادر شود، در لیست تعقیب برای دستگیری و اجرای حکم قرار گرفته و هر کجا یافت شود، فوراً دستگیر می‌شود. بنابراین، چنانکه که در گفتار سوم گفته شد، وی به جرم دیگری با عناوین یاد شده نیز محکوم شده و می‌بایست پس از یافتن وی مجازات جرم فرار نیز علاوه بر مجازات یا مجازات‌های قبلی اجرا گردد. اما، در صورتی که متهم قبل از صدور حکم فرار کند؛

- اگر متهم شخص حقیقی باشد:

با توجه به آن‌که موضوعاً از موارد منع تعقیب[1] خارج بوده و مشمول موارد موقوفی تعقیب[2] نیز نمی‌شود و همچنین با توجه به عدم وجود ماده‌ای روشن در قانون در خصوص این مسئله، به نظر می‌رسد موضوع از موارد ماده‌ی ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری قرار گیرد. این ماده اذعان می‌دارد: «در تمام جرایم، به استثنای جرایمی که فقط جنبه‌ی حق‌اللهی دارند، هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه‌ی دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی، رأی غیابی صادر می‌کند. در این صورت، چنانچه رأی دادگاه مبنی بر محکومیت متهم باشد،

---

۱. ماده ۲۶۵ آدک- بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتکابی و وجود ادله‌ی کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتکابی و یا فقدان ادله‌ی کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می‌کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده‌ی تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به‌طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند. چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر و وفق مقررات فوق اقدام می‌شود.

۲. ماده ۱۳ آدک- تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

الف- فوت متهم یا محکوم علیه

ب- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

پ- شمول عفو

ت- نسخ مجازات قانونی

ث- شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون

ج- توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون

چ- اعتبار امر مختوم

تبصره ۱- درباره‌ی دیه مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌گردد.

تبصره ۲- هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه در جرائم حق‌الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند. در این‌صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتکابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.

ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی، قابل واخواهی در همان دادگاه است و پس از انقضای مهلت واخواهی برابر مقررات حسب مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام است. مهلت واخواهی برای اشخاص مقیم خارج از کشور، دو ماه است. تبصره ۱- هرگاه متهم در جلسه‌ی رسیدگی حاضر و در فاصله‌ی تنفس یا هنگام دادرسی بدون عذر موجه غایب شود، دادگاه رسیدگی را ادامه می‌دهد. در این صورت، حکمی که صادر می‌شود، حضوری است.» بنابراین، مطابق این ماده رسیدگی ادامه داشته، رأی صادر می‌شود و اجرای مجازات نیز چنانچه گفته شد پیگیری می‌گردد.

- اگر متهم شخص حقوقی باشد:

در مورد شخص حقوقی فرار می‌تواند در انحلال آن مصداق پیدا کند. برای تأثیر انحلال آن‌ها باید قائل به تفکیک شد، بدین ترتیب که فقط انحلال قهری و قانونی باید موجب سقوط دعوای عمومی شناخته شود، ولی انحلال ارادی شخص حقوقی را که ممکن است به قصد فرار از محکومیت کیفری و مجازات صورت بگیرد، نباید در حکم فوت تلقی و تعقیب کیفری را موقوف نمود (خالقی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۷) به همین دلیل، ماده‌ی ۲۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری با تصریح به انحلال غیر ارادی مقرر می‌دارد: «در صورت انحلال غیر ارادی شخص حقوقی حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرا صادر می‌شود. مقررات مربوط به قرار موقوفی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است. در مورد دیه و خسارت ناشی از جرم وفق مقررات مربوط اقدام می‌شود.»

۵-۲- جرایم مستوجب حد

با توجه به انحصار ماده‌ی ۴۰۶ در جرایمی که تنها جنبه‌ی حق‌اللهی دارند و با نظر به تبصره‌ی ۳ همین ماده که در آن آمده است: «در جرایمی که فقط جنبه‌ی حق‌اللهی دارند، هرگاه محتویات پرونده، مجرمیت متهم را اثبات نکند و تحقیق از متهم ضروری نباشد، دادگاه می‌تواند بدون حضور متهم، رأی بر برائت او صادر کند.»؛ جرائم فوق مشمول صدر این ماده نمی‌شود. لذا حسب مورد حکم برائت صادر شده و یا رسیدگی به پرونده تا زمان بازگشت متهم متوقف خواهد شد. البته، توجه به این نکته ضروری است که اگر جرم ارتکابی دارای هر دو جنبه‌ی حق‌االهی و حق‌الناسی باشد، در خصوص جنبه‌ی حق‌الناسی آن پرونده ذیل ماده‌ی ۴۰۶ پیگیری شده و پس از صدور حکم، مطابق آن‌چه گفته شد، رفتار می‌شود.

۵-۳- جرائم مستوجب قصاص

در خصوص جرایم مستوجب قصاص نفس، در صورتی که فرد مستحق قصاص فرار نماید، اجرای قصاص تا هنگام امکان دسترسی به وی با مانع مواجه خواهد شد. بنابراین، تا زمانی‌که قاتل در دسترس نباشد، اجرای حکم قصاص هم عملاً امکان‌پذیر نخواهد بود. با این حال، فرار قاتل در زمره‌ی موارد سقوط قصاص نیست بلکه به‌رغم تأخیر در اجرای مجازات قصاص، امکان اجرای آن وجود دارد و از موانع موقت قصاص به شمار می‌رود.

فرار مرتکب قتل عمد ممکن است به صورت‌های مختلف باشد؛ از جمله اینکه بلافاصله پس از ارتکاب قتل بدون حضور در هیچ‌یک از مراحل دادرسی فرار کند یا در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی یا بخشی از آن حضور داشته و قبل از محاکمه و صدور حکم و یا پس از قطعیت حکم و قبل ز اجرای آن فرار کند. همچنین فرار قاتل می‌تواند به‌صورت موقت و تا یک زمان مشخص در تقاضای ولیّ دم مبنی بر قصاص او اختلال ایجاد نماید. بنابراین، حقوق ولیّ دم در زمان فرار مجرم نیز باید از نظر قانونی مشخص باشد (ساریخانی، ۱۳۹۳، ص ۱۶).

در این خصوص ماده‌ی ۴۳۵ قانون مجازات اظهار می‌دارد: «هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و درصورتی

که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و درصورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آن‌ها یا عدم تمکن آن‌ها، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه بر بیت‌المال خواهد بود. چنانچه پس از اخذ دیه، دسترسی به مرتکب جنایت، اعم از قتل و غیر قتل، ممکن شود در صورتی که اخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد، حق قصاص حسب مورد برای ولیّ دم یا مجنیٌعلیه محفوظ است، لکن باید قبل از قصاص، دیه‌ی گرفته شده را برگرداند.» مطابق مفاد این ماده، به محض اینکه قاتل عامد دست به فرار زد، نوبت به دریافت دیه به شرح گفته شده می‌گردد و لذا نیازی به حدوث مرگ وی پس از فرار نخواهد بود.

۵-۴- جرائم مستوجب دیه

اگرچه قانون و فقها صریحاً در خصوص فرار متهم یا مجرم در جرایم مستوجب دیه سخن نگفته‌اند، با این حال با توجه به مواد ۴۷۴[۱] و ۴۷۵[۲] قانون مجازات و همچنین با بررسی عقیده‌ی فقهایی همچون شهید ثانی در مسالک الافهام و محقق حلی در شرایع الاسلام، دیه جرم خطایی شبیه عمد بر عهده‌ی مجرم است و از اموال او تأدیه می‌شود و اگر بمیرد یا فرار کند، به عقیده‌ی اکثر فقهای امامیه همچون شیخ طوسی، از نزدیک‌ترین خویش او که از دیه ارث می‌برد، گرفته می‌شود. اگر چنین خویشاوندی وجود نداشت، از بیت‌المال داده می‌شود (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۵۷۱).

نتیجه‌گیری

جرم فرار مجرم و متهم در زمره‌ی جرایمی است که موجب به ثمر ننشستن و نتیجه‌بخش نبودن اعمال دستگاه قضایی می‌گردد. به همین دلیل، این جرایم در تقسیم‌بندی کلی با عنوان جرایم علیه عدالت قضایی نام‌گذاری شده است که در مرحله‌ی صدور یا اجرای حکم به وقوع می‌پیوندد.

جرم فرار زندانیان، به‌طور ویژه، شامل فرار از زندان یا بازداشتگاه می‌شود؛ اما در بررسی کلی این عنوان جرایم دیگری نیز وجود دارند که با آن ارتباط نزدیک داشته و تحت همین عنوان کلی قرار می‌گیرند. این جرایم شامل اهمال مأمور دولت در حفظ، ملازمت یا مراقبت فرد متهم یا زندانی، فراری دادن مرتکب جنایت عمدی توسط فرد عادی، مساعدت، تسهیل و تبانی مأمور حفظ و مراقبت برای فرار زندانی یا فرد توقیف‌شده، اهمال و مسامحه‌ی مأمورین در دستگیری متهم به عمد یا غیرعمد، دادن اسلحه به زندانی یا شخص توقیف‌شده جهت مساعدت در فرار، مخفی کردن یا فراری دادن فرد متهم یا محکوم، اقدام به ایجاد ادله‌ی جعلی و اختفای متهم یا ادله به جهت خلاصی و تبرئه‌ی متهم می‌شود. جرایم مورد بحث از لحاظ رکن مادی، هم به صورت فعل و هم به صورت ترک فعل، قابل ارتکاب هستند و از لحاظ رکن روانی نیز در برخی از موارد به‌صورت عمدی و برخی از موارد با خطای جزایی ارتکاب می‌یابند.

برخی از جرایم مورد بحث نیز ماهیتاً معاونت در جرم هستند که به‌صورت خاص جرم‌انگاری شده‌اند. پژوهش فوق پس از بررسی مفهوم فرار و احصاء مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های بروز آن در گفتار اول و دوم، در سومین گفتار به مصادیق جرم فرار و مخفی شدن متهم و مجرم و جرایم مرتبط با آن در آیینه‌ی قوانین پرداخته و در نهایت، در گفتار چهارم روند دادرسی را در هر یک از صور جرایم تعزیری، مستوجب حد، قصاص و دیه با همه حالت‌های آن تعیین تکلیف نموده است.

---

۱. ماده ۴۷۴ ـ در جنایت شبه عمدی درصورتی که به دلیل مرگ یا فرار به مرتکب دسترسی نباشد دیه از مال او گرفته می‌شود و در صورتی‌که مال او کفایت نکند از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

۲. ماده ۴۷۵ ـ در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتکب است، اگر به علت مرگ یا فرار دسترسی به او ممکن نباشد دیه جنایت از اموال او پرداخت می‌شود و در صورتی‌که مرتکب مالی نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

منابع

آشوری، محمد. (۱۳۸۶). *آیین دادرسی کیفری* (جلد اول). تهران: سمت.

آشوری، محمد. (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری* (جلد دوم، چاپ دهم). تهران: سمت.

جباری نسب، احمد. (۱۳۹۲). *بررسی رویکرد حقوق کیفری ایران در قبال فرار زندانیان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

خالقی، علی. (۱۳۹۶). *آیین دادرسی کیفری* (جلد اول، چاپ سی‌وپنجم). مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

رحیمی، فاطمه. (۱۳۹۷). *بررسی آثار حقوقی عدم دسترسی به مرتکب جرم قتل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

رفعتی، قنبر، رضایی، محمد، و جاهد، محمدعلی. (۱۳۹۴). بررسی موانع موقت قصاص در حقوق کیفری ایران. *مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی*.

ساریخانی، عادل، و اسلامی‌نیا، قاسم. (۱۳۹۳). بررسی تبدیل قصاص به دیه با فوت قاتل یا عدم دسترسی به وی. *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۶(۴).

عباسلو، بختیار. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری. *نشریه پژوهش‌های دانش انتظامی*، (۴۷)، ۸۷-۱۳۰.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸).

قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر. (۱۳۷۶).

قانون آیین دادرسی کیفری. (۱۳۹۲).

قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری. (۱۳۷۳).

قانون مجازات اسلامی و تعزیرات بازدارنده. (۱۳۹۲).

گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۴). *محشای قانون مجازات اسلامی* (چاپ چهارم). مجد.

محمدی، ابوالحسن. (۱۳۷۸). *حقوق کیفری اسلام ترجمه حدود، تعزیرات، قصاص و دیات از کتاب شرایع الاسلام و مسالک الافهام*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ناجی زواره، مرتضی. (۱۳۸۹). تناسب در قرارهای تأمین کیفری. *نشریه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، (۸-۹-۱۰)، ۲۲۵-۲۵۹.

وروایی، اکبر، و نجاری، محمد. (۱۳۸۷). عوامل و انگیزه فرار متهمین از دست مأمورین و راه‌های پیشگیری از آن (فرماندهی انتظامی استان تهران- سال ۱۳۸۶). *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، ۳(۴)، ۴۹۰-۵۰۴.

African Charter on Human and Peoples' Rights, published by Organization of African Unity (OAU), 27 June 1981, citation CAB/LEG/67/3 rev. 5, 21 I.L.M. 58 (1982).

European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, as amended by Protocols Nos. 11 and 14, published by Council of Europe, 4 November 1950, cite as Council of Europe, *European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, as amended by Protocols Nos. 11 and 14*, 4 November 1950, ETS 5, available at: https://www.refworld.org/docid/3ae6b3b04.html

International Covenant on Civil and Political Rights, published by UN General Assembly, 16 December 1966, cite as UN General Assembly, *International Covenant on Civil and Political Rights*, 16 December 1966, United Nations, Treaty Series, vol. 999, p. 171, available at: https://www.refworld.org/docid/3ae6b3aa0.html [accessed 12 December 2022].

Universal Declaration of Human Rights, published by UN General Assembly, 10 December 1948, cite as UN General Assembly, *Universal Declaration of Human Rights*, 10 December 1948, 217 A (III), available at: https://www.refworld.org/docid/3ae6b3712c.html

استناد به این مقاله: علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل، و معالی، مهدیه. (۱۴۰۵). فرار مجرم و متهم؛ زمینه‌ها، مصادیق قانونی و تأثیر آن بر روند دادرسی. *فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق*، ۶(۳)، ۵۴-۶۸.

Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.